

مذاکره الان یعنی تسلیم

لاریجانی: مذاکره با آمریکا در مقطع فعلی اشتباه راهبردی است

صفحه ۲



نگاهی به کتاب تازه منتشر شده «در هیاهوی سکوت» درباره شهید عباس ورامینی

جست وجوی معشوق میان خون و خمپاره

صفحه ۸



تیتراهای امروز

رهبر انقلاب در بازدید از نمایشگاه کتاب تهران:

وزرای فرهنگ و صنعت مسأله کاغذ را حل کنند



همین صفحه

اتحادیه فروشندگان: بعد از ورود وزارت ارشاد کاغذ گران شد

کسی مسؤولیت گرانی کاغذ را قبول نمی‌کند

وزارت ارشاد: بانک مرکزی ارز تخصیص نداد

صفحه ۲

فتحی برای آرام کردن سکوها مجیدی را به جای شفر سرمربی استقلال کرد

چه کسی بود صدا زد فرهاد؟!

صفحه ۶

بی‌اعتمادی عمومی به رسانه‌های جریان اصلی در فرانسه رو به افزایش است

جلیقه‌زدها علیه رسانه‌های زرد

صفحه ۷

خبر

رهبر انقلاب در بازدید از نمایشگاه کتاب تهران:

وزرای فرهنگ و صنعت مسأله کاغذ را حل کنند

رهبر انقلاب اسلامی صبح دیروز با حضور در مصالای امام خمینی (ره) از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بازدید کردند. به گزارش تسنیم، در این بازدید که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز حضور داشت، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ضمن گفت‌وگو با ناشران، در جریان تازه‌های نشر قرار گرفتند. بخش‌هایی از بیانات رهبر انقلاب در جریان بازدید از غرفه‌ها و گفت‌وگو با ناشران به این صورت است:

صورت وضعیت نشان‌دهنده این است که مردم هنوز کتاب می‌خرند و برای خواندن، می‌خرند. دنیای کتاب، دنیای پیچیده‌ای است و این نکته‌ای است که آقای صالحی اوزیر ارشاد باید توجه کند. باید مسأله کاغذ را حل کرد؛ این طور نمی‌شود. وزیر فرهنگ و وزیر صنعت بنشینند و این مسأله را حل کنند.

ابلاغ دستور رهبر معظم انقلاب برای ساماندهی وضع کاغذ

معاون امور ویژه دفتر مقام معظم رهبری فرمایشات ایشان مبنی بر پیگیری وضع کاغذ و ساماندهی این موضوع را به وزرای ارشاد و صنعت ابلاغ کرد.

به گزارش ایستنا، سید وحید حقانیان، معاون امور ویژه دفتر مقام معظم رهبری، پس از پایان بازدید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از نمایشگاه کتاب، با حضور در جلسه مشترک وزرای صنعت و ارشاد که در ابتدای بازدید وزیر صنعت از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تشکیل شده بود، دغدغه‌های رهبر انقلاب درباره موضوع کاغذ و اثرات آن بر حوزه نشر را به اطلاع وزرای صنعت و ارشاد رساند. پس از ابلاغ دستور مقام معظم رهبری، جلسه‌ای با حضور رحمانی و صالحی، وزرای صنعت و ارشاد و مسؤولان مرتبط در وزارتخانه و نمایندگان از صنف نشر در محل نمایشگاه کتاب برگزار شد.



مردم غیور همدان با حضور گسترده و معنادار خود با پیکر شهید حجت‌الاسلام مصطفی قاسمی وداع کردند

تشییع باشکوه روحانی مظلوم

صفحه ۲



عکس: پوریان کپورتا ایسنا

یافت آباد؛ چهارراه داش مجید

حسین قدیانی



دلش با محسن صاف نشد! محسن بچه‌محل! و حتی روز اعزام محسن فرامرزى به سوریه بود! دلش با او صاف نشد! محسن را یک سپاهی، یک بسیجی می‌دانستی که نه او در خط تو بود و نه تو در خط او! فقط احترام سنش را نگه می‌داشتی که از تو ۹ ساله بزرگ‌تر بود! ۵ آذر ۹۴ از بچه‌های محل خداحافظی کرد! او رفت! رفت و حتی این وداع هم خیلی نتوانست دلت را تکان دهد! تا اینکه ۲۵ روز بعد، در آخرین روز فصل پاییز، ناگهان خبردار شدی که محسن



لوس گذشتند! و بعد خودت قهوه‌خانه بزنی! و حتی خال! روی بازوی‌ها و مستقیم به هیچ صراطی نباشی! و آن همه دعوا در باغ نعیمی! و هیچ هم خسته نشوی! و گاه بیفتی با سوزوکی دنبال ماشینی عروس! و با صدای بوق موتور، اعصاب کل شهر را خراب کنی! اما خب! خطوط قرمزی هم داشته باشی! و غلابی! من جمله بوسه بر دست مادری که خیلی وقت‌ها به حرف‌هایش گوش نمی‌دای! «به حرف‌هایش گوش نمی‌دای» اما عاشقش که بودی! حتی اوج بد بودن‌ها! و شر شدن‌ها! و می‌دیدى تفاوت تپ‌ها را! از بسیجیان «لپه‌ی قلبی محبوب» بودند تا رفقای ادوار گذشته زندگی

یادت هست داش مجید که چقدر صفا می‌کردی با «زینب زینب» مؤذن‌زاده! و شد آنچه که باید! و روضه زینب مراسم محسن، سبب تحولت شد! خیلی آن روز گریه کردی، خیلی! و دیگر رفتی قهوه‌خانه! عوضش حرف از اعزام به سوریه زدی! و همه خندیدند! کل چهارراه قهوه‌خانه خندید! کل یافت‌آباد خندید! و همه خندیدند! همه الا مادرت که دلش هُزّی ریخت! هسی داد و بیدادا! دلم یک دل نسیر، گریه می‌خواهد! و گریه می‌خواست که بالای مزار داش مجید، از گوشه‌ام «زینب زینب» را گذاشتیم! هنوز اما بچه‌ها بودند! و هنوز صحبت از ترک موتور داش مجید بود! که کدام‌شان چندبار سوار شده‌اند! حالا این موتور، تا خود بهشت می‌راند! تمام شد دیگر چرخ‌زدن‌های الکی! تک‌چرخ‌های هیجانی! خاک شدا پاک شدا! و چه اردیبهشتی شد برایت داش مجید! بی‌خود نبود که یکی از بچه‌ها می‌گفت: «مادرم گفته که دیگر نگوییم چهارراه قهوه‌خانه! بگوییم چهارراه داش مجید!» و حرف آن دیگری: «چند ساله بشیم می‌تونیم بریم سوریه!» و جواب آن داش آموز: «اول باید سلیمانی ببیند!» پس بین سردار! خوب نگاه کن! این نسل آیا تو را یاد همان اردیبهشتی‌های الی‌بیت‌المقدس نمی‌اندازد! گلزار شهدای یافت‌آباد: ۳۷ سال بعد! نه! هیچ چیز عوض نشده! الا آنکه جوان شده‌اند مادران شهدا! آن از مادر محسن! این از مادر مجید! حق با محسن بود! «ذات داش مجید پاک است!» ببینم رفیق! هنوز هم آری! تک موتور کسی را سوار می‌کنی؟! الکی که به بچرخانی مان قبول است! به قرآن مطمئنم تو هم بچرخانی مان قبول است! جوانمردی که روزگار نشان روشن عصر مایه! جوانمردی که روزگار تزیین کرده! دلت، تا بلندای آزادی رفت! کاش موتور ما را هم روشن کنی داش مجید....



کاری از دست تو برمی‌آید | کمک‌هایمان مرهمی است بر دردهای مردم سیل‌زده | *۷۸۰*۱۱۲# | *۸۸۷۷*۹۹#

یادداشت امروز

خطرناک‌تر از تحریم و تهدید

مهدی محمدی



در منازعه راهبردی‌ای که میان ایران و آمریکا در جریان است و اکنون به اوج خود رسیده، نقطه کانوئسی تمرکز افکار عمومی ایران است. اگر دولت آمریکا از سال ۸۸ یک درس آموخته باشد - که به عقیده من درس‌آموزترین سال پس از انقلاب برای آمریکایی‌ها بوده - آن درس این است که کسی پیروز نهایی خواهد بود که بتواند افکار عمومی را در مواقع حساس و درباره موضوعات کلیدی هدایت کند. تامل در سیر یک‌دهه‌های طرح‌ریزی راهبردی آمریکا برای مواجهه با ایران نشان می‌دهد روز به روز بر وزن این مقوله، یعنی تلاش برای کنترل ادراک و سپس رفتار مردم ایران افزوده شده است. آمریکایی‌ها سال ۸۸ به نتیجه نرسیدند اما متوجه شدند وقتی بتوان بخش‌های بزرگی از مردم را به راهی کشاند، کنترل اوضاع دیگر برای هیچ طرفی به سادگی میسر نخواهد بود. بر خلاف آنچه در ظاهر گفته می‌شود، آمریکایی‌ها نظام جمهوری اسلامی را بشدت دموکراتیک می‌دانند و عقیده دارند در نهایت این نظر مردم است که تعیین می‌کند جهت امور به کدام سمت خواهد رفت. به همین سبب، درست در همین نقطه که نقطه مزیت جمهوری اسلامی است، ایستاده‌اند و تلاش می‌کنند آن را به یک آسیب، ضعف و در نهایت تهدید بدل کنند. اگر این حرف پمپو را جدی بگیریم که هدف بنیادین و نهایی آمریکا روی کار آوردن رهبران غیرانقلابی در ایران است، فقط یک راه برای رسیدن به این هدف وجود دارد و آن راه این است که ابتدا جامعه ایرانی از انقلاب اسلامی عبور کند. این، همه بازی و البته تا اینجا شکست‌خورده‌ترین بخش آن است.

در تمام یک دهه گذشته، آمریکا تا جایی که توانسته تلاش کرده زیرساخت‌های ارتباطی، تغذیه و کنترل افکار عمومی در ایران را تحت کنترل خود بگیرد و به اشغال دربیورد، هم در بعد نرم‌افزاری، یعنی طرح‌های سیاسی، روانی و رسانه‌ای که بتواند همه یا بخش‌هایی از مردم را در ایران در مقابل نظام بسیج و الگوی رفتار آنها را رادیکال کند و هم در بعد سخت‌افزاری، با توسعه پلتفرم‌هایی که اساسا به زندگی دسته‌جمعی مردم در ایران شکل می‌دهند. در بعد نرم‌افزاری مهم‌ترین تکنیکی که آمریکایی‌ها توسعه داده و بارها به کار گرفته‌اند، تکنیک دوقطبی‌سازی میان زندگی، معیشت و آینده مردم ایران با تفکر انقلابی و برنامه‌های امنیت ملی است که هم بر اساس این تفکر بنا شده است. روزی نیست که ما در سطوح خرد یا کلان شاهد تلاش آمریکایی‌ها برای ترویج این ایده در ایران نباشیم که اگر مردم ایران می‌خواهند به طور عادی زندگی کنند، چاره‌ای جز دست برداشتن از ایده‌ها و رفتارهای انقلابی ندارند و جمع میان این دو امکان‌پذیر نیست. هنری کیسینجر که ظاهرا هنوز هم تیم ترامپ از انبان فکری او تغذیه می‌کند، یک بار در توصیف این راهبرد گفته بود «ایران باید تصمیم بگیرد می‌خواهد یک کشور باشد یا یک نهضت». همه گزینه‌هایی هم که آمریکا در اختیار دارد در خدمت ترویج این دوقطبی بزرگ قرار گرفته است. اکنون هدف تحریم‌های اقتصادی فقط وارد کردن فشار اقتصادی به مردم نیست، بلکه ایجاد این روزنامه‌ست که با این وضعیت آینده‌ای وجود نخواهد داشت. هدف از معتبرسازی گزینه نظامی هم این نیست که واقعا به ایران حمله‌ای شود، بلکه هدف این است که نوعی ترس از آینده در صورت تداوم رویارویی فغلی ایجاد شود. هدف عملیات‌های اطلاعاتی، سایبری، ترورها و خرابکاری‌ها هم در اصل این است که نظام ضعیف یا رو به ضعف جلوه داده شود. ملاحظه می‌کنید که گزینه‌های پیشین، کارکردهای جدید بیسدا کرده‌اند و این کارکردها بیش از آنکه عین جامعه را هدف گرفته باشد، ذهن آن را هدف گرفته است. شاید بدبینانه به نظر برسد اما تمرکز بیش از یک دهه‌ای راقم این سطور بر مواجهه راهبردی ایران و آمریکا مملو از نشانه‌هایی است که ثابت می‌کند توسعه شبکه‌های اجتماعی موبایلی در ایران و رواج بی‌سابقه و انفجاری آن و سپس انتقال کارکردهای حکومتی به مجموعه‌های اینترنتی که اساسا معلوم نیست به یکباره از کجا سبز شدند و...